

Policy Paper

Designing a Practical Strategy for a Healthy Marriage



*Maryam Eskafi Noghani¹, Gholam Reza Sediq Orei², Hamed Bakhshi³

1. Assistant Professor of Sociology, Department of Sociology, Gonabad Branch, Islamic Azad University, Gonabad, Iran.

2. Assistant Professor of Sociology, Department of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

3. Associate Professor of Sociology, Department of Sociology, Mashhad University Jihad Organization, Mashhad, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Eskafi Noghani, M., Sediq Orei, G. R., & Bakhshi, H. (2020). [Designing a Practical Strategy for a Healthy Marriage (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 10(36), 2-15.



Received: 04 Feb 2020

Accepted: 09 Jun 2020

Available Online: 01 Nov 2020

Key words:

Divorce, Healthy marriage, Strategy design, Policy

ABSTRACT

The increase in divorce in Iran has become a social issue. The lack of policymaking in this area has resulted in taking hasty, temporary, and ineffective measures, as well as doing numerous useless and repetitive actions. Since it has become a cultural and a social issue, this problem requires a pre-determined model and unity. This article draws on Sprin-ger's theory to design a socio-cultural policy to reduce the problem of divorce or at least prepare a comprehensive approach for a healthy marriage. As such, the researcher at-tempted to provide an appropriate solution by drawing on existing research and studies of divorce in the social and psychological fields and examining their strengths and weak-nesses. Then by identifying the most important causes, it is hoped that by providing a suitable solution, a better future for Iranian society in the field of marriage can be drawn.

* Corresponding Author:

Maryam Eskafi Noghani, PhD.

Address: Department of Sociology, Gonabad Branch, Islamic Azad University, Gonabad, Iran.

E-mail: eskafi@iau-gonabad.ac.ir

گزارش سیاستی طراحی راهبرد عملی برای ازدواج سالم

*مریم اسکافی نوغانی^۱، غلامرضا صدیق اورعی^۲، حامد بخشی^۳

۱. استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد گناباد، دانشگاه آزاد اسلامی، گناباد، ایران.

۲. استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، سازمان جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۵ بهمن ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۰ خرداد ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱۱ آبان ۱۳۹۹

افزایش طلاق در ایران در حالی تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده است که فقدان الگوی سیاست‌گذاری در این حوزه منجر به اقدامات آنی، مقطعی و فاقد اثربخشی لازم و نیز موازی‌کاری‌های زیاد و بی‌نتیجه شده است. این موضوع علاوه بر مسئله اجتماعی، مسئله‌ای فرهنگی نیز شده است، بنابراین نیازمند یکپارچگی و برخورداری الگویی از پیش تعیین شده است. این مقاله با الهام از نظریه اسپریگن به دنبال سیاستی فرهنگی اجتماعی است تا به طراحی الگویی دست یابد که اگر نتواند مشکل طلاق را کاهش دهد، دست کم به طراحی سیاستی جامع با عنوان ازدواج سالم بپردازد. به این منظور محقق با استفاده از اطلاعات موجود و داده‌های مستخرج از مطالعات مرتبط با طلاق در حوزه اجتماعی و روان‌شناسی و بررسی نقاط و قوت و ضعف آن‌ها، پس از طرح علل مهم‌تر، به ارائه راه حل مناسب در این زمینه پرداخته تا بتواند آینده‌ای بهتر برای جامعه ایران در حوزه ازدواج ترسیم کند.

کلیدواژه‌ها:

طراحی راهبرد، طلاق، ازدواج سالم، سیاست

* نویسنده مسئول:

دکتر مریم اسکافی نوغانی

نشانی: گناباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گناباد، گروه جامعه‌شناسی.

پست الکترونیکی: eskafi@iau-gonabad.ac.ir

www.SID.ir

مقدمه

فلسفه سیاسی از نظر اسپریگنز^۱ چهار نکته است:

۱. مشاهده بی‌نظمی؛ ۲. تشخیص علل؛ ۳. ارائه راه‌حل؛ ۴. تصویر جامعه احیاشده. (اسپریگنز، ۱۳۶۵: ۲۶-۲۷). با توجه به یکی بودن فلسفه سیاسی و اصطلاح ایدئولوژی در جامعه‌شناسی جدید، عناصر اصلی یک ایدئولوژی عبارت‌اند از: توجیه و تفسیر وضعیت و موقعیت گروه یا جامعه؛ بیان آسیب‌ها و علل و چگونگی آن‌ها؛ جهت دادن به کنش تاریخی گروه یا جامعه (بیان راه تغییر) (صدیق‌اورعی، ۱۳۷۳: ۹۹-۱۰۰). در اینجا ابتدا به طور مفصل به تشریح مسئله می‌پردازیم که در واقع با تحلیل آن می‌توان به آسیب‌ها علل و چگونگی آن‌ها نیز رسید.

مراسم ازدواج در واقع یک «مراسم گذر» از کودکی به بزرگسالی است. با ازدواج، بلوغ جسمی، جنسی، بلوغ عاطفی، بلوغ اقتصادی و بلوغ اجتماعی طرفین، توسط جامعه مورد تأیید قرار می‌گیرد. بلوغ جسمی و جنسی تا حدود زیادی مستقل از مسائل فرهنگی است، اما از آن متأثر است. بلوغ عاطفی تابع سن، بلوغ جسمی، جنسی و شرایط اجتماعی فرهنگی است و در عین حال شرایط محیطی و نوع معیشت هم بر آن تأثیر دارند. هم‌صحبتی با والدین و احساس وابستگی عاطفی به آن‌ها در جوانی کم‌رنگ شده و در مراحل از بین می‌رود. انس با همسر یا همسالان و جدایی عاطفی والدین نمود بلوغ عاطفی تلقی می‌شود. بلوغ اقتصادی وقتی حاصل می‌شود که «مرد» بتواند تأمین‌کننده مخارج اقتصادی یک خانواده هسته‌ای باشد. بلوغ اجتماعی داشتن هویت اجتماعی بزرگسال در جامعه است که عمدتاً با گذر از ازدواج مورد تأیید قرار می‌گیرد.

طبق آمار اعلام‌شده از سوی ثبت احوال و مرکز آمار ایران، شاهد روند افزایش طلاق (۱۴/۶ درصد) و کاهش ازدواج (۲۱ درصد) بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بوده‌ایم. راهکاری که ارائه و حتی در قالب طرح‌های پژوهشی اجرا شده است، به صورت مقطعی و مانند روکشی بر بدنه نابسامان خانواده‌های دارای طلاق عاطفی یا در آستانه طلاق قانونی بوده است؛ چراکه برای مدت‌زمان کوتاهی اثر مثبت خود را دارد و پس از مدتی دوباره وضعیت به حال خود برگشته یا حتی شدیدتر می‌شود. شاید علت آن این باشد که همیشه در تحقیقات یا طرح‌های اجرایی به دنبال حل مسئله‌ای بوده‌ایم که به طور ریشه‌ای به آن پرداخته نشده است. نبود یک سیاست اجتماعی و الگوی مشخص برای ازدواج باعث موازی‌کاری‌های زیادی برای کاهش پدیده طلاق هم در سطح دانشگاه هم ادارات و سازمان‌های دولتی شده است. از این رو به نظر می‌رسد دولت در این زمینه نقش مؤثری دارد و برای پایان دادن به این فعالیت‌های تکراری و بی‌نتیجه، می‌تواند با اجرای برخی سیاست‌های مطلوب، مشکل خانواده را لااقل برای نسل‌های بعدی حل کند.

تغییر جامعه به معنی تغییر ساختار اجتماعی و روابط اجتماعی گروه‌ها و نحوه ارتباط ارزش‌ها و هنجارها و کنش‌ها و نیز تغییر در باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نماد و کارکرد آن‌هاست (روشه، ۱۳۶۶). در واقع برای تغییر جامعه در راستای حل یک مشکل اجتماعی باید به چگونگی ساخت یک فلسفه سیاسی روی آورد. محورهای اصلی

1. Spragens

گرچه لوازم آن قبل از آن باید تحقق یابد، مانند قدرت تشخیص، قدرت تصمیم، حدی از سن و غیره که همگی در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای جامعه مشخص شده‌اند.

در گذشته به علت نوع حرفه‌آموزی و سازمان‌های اجتماعی‌کننده کودکان و نوجوانان، بلوغ اقتصادی تقریباً با بلوغ جنسی و بلوغ عاطفی هم‌زمان اتفاق می‌افتاد و با انجام ازدواج، بلوغ اجتماعی هم تأیید می‌شد. اما در دهه‌های گذشته در جامعه ما تحولات برون‌زایی، در شرایط محیطی و به دنبال آن در ارزش‌ها و هنجارها اتفاق افتاده است که امروزه شاهد عدم تعادل و ناهم‌زمانی بین بلوغ جنسی و عاطفی از یکسو و بلوغ اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر هستیم و این مسئله به علت نوع خاص وظایف و نقش‌های مردان در زندگی خانوادگی برای پسران به‌وضوح مشاهده می‌شود و تأخیر در سن ازدواج در واقع تأخیر در بلوغ اقتصادی اجتماعی پسران است که بر زنان هم اثر می‌گذارد.

طولانی شدن دوران آموزش حرفه‌ای، عدم تناسب بین نیازهای تخصصی عالی جامعه با هجوم گسترده نوجوانان به آموزش‌های مقدماتی این تخصص‌ها (عدم تناسب بین آموزش دبیرستانی و آموزش دانشگاهی به لحاظ کمی)، الزامی شدن انجام خدمت سربازی برای پسران به مثابه یک هنجار جدی در تعریف بلوغ اجتماعی و حتی اقتصادی و مواردی از این قبیل، چون درصد بالای بیکاری، اختصاص یافتن بیش از ۳۰ درصد نیروی کار به بخش خدمات که محتاج به اندوخته اقتصادی است، گران شدن ایجاد اشتغال در بخش‌های صنعت و کشاورزی و غیره همگی از عوامل ساختی در ناهم‌زمانی بلوغ

اقتصادی اجتماعی با بلوغ جنسی، عاطفی و ایجاد عدم تعادل در این جنبه هستند که به صورت تأخیر در سن ازدواج جوان‌ها و عوارض اجتماعی و روانی آن آشکار شده‌اند. پیامدهای تأخیر در سن ازدواج خود مشکلاتی مانند روابط نامطلوب بین دو جنس مخالف را به همراه دارد که به علت بلوغ جنسی و عاطفی به سوی هم کشیده می‌شوند، اما به علت بلوغ فکری و اجتماعی و اقتصادی شرایط ازدواج برایشان فراهم نیست. این ارتباطات به نوبه خود مشکلات زیادی را به همراه آورده است که در تحقیقات مختلف نتایج آن‌ها مشهود است. از طرف دیگر تأخیر در سن ازدواج انواع معضلات و مسائلی مانند تجرد قطعی، فرار از خانه، خودکشی، فساد، روسپیگری و مانند آن را در پی دارد.

آنچه در همه این موضوعات به چشم می‌خورد در واقع نشئت گرفته از یک علت است که همه علت‌های دیگر، معلول‌های آن هستند و آن هم همان تحول ساختاری و عوامل ساختی است که به دنبال خود تغییر در ارزش‌ها و هنجارها و ناهم‌زمانی انواع بلوغ عاطفی، جنسی، فکری، اجتماعی و اقتصادی را به ارمغان آورده است و به نوبه خود اثرات زیادی بر بدنه خانواده گذاشته است، شاید بتوان گفت این عوامل از مهم‌ترین عوامل مؤثر در طلاق هستند که بسیاری از علل دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار داده‌اند. از این رو با توجه به مسائل مطرح‌شده، سؤال این است که چگونه می‌توان مشکل طلاق یا ازدواج را در ایران به نحوی پایدار حل کرد؟

۱. شناسایی راه‌حل‌های پیشنهادشده

در زمینه مسائل ذکر شده در مقدمه، راه‌حل‌های مختلفی ارائه شده است.

پذیرفته‌اند و در واقع ارزش‌ها و هنجارهای جدید آن‌ها با نام هم‌زمانی این دو بُعد از بلوغ همسو شده‌اند و ظاهراً عدم تعادل به تعادل جدید تبدیل شده است. به دنبال این شیوه از حل مسئله، مشکلات اجتماعی دیگری پدید آمده است مانند تن ندادن تعداد زیادی از مردان برای همیشه به قبول نقش پدری و شوهری، افزایش وسیع فرزندان متولدشده در خارج از چارچوب هنجاری تولید مثل، افزایش مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه و غیره.

در مورد برداشتن نفقه از دوش مرد که بتواند مفهوم بلوغ اقتصادی مرد را تغییر داده و وقوع آن را به جلو بیندازد بحث‌های پراکنده‌ای مطرح شده است، ولی مهم‌تر از آن توجه به عمل زن و شوهرهای شاغل در شهرهاست که معمولاً قسمتی از درآمد زن در خارج از منزل صرف تأمین معاش می‌شود و عملاً می‌توان این گرایش در پسران شهری شاغل در مؤسسات بزرگ را مشاهده کرد که همسر شاغل را بر غیرشاغل ترجیح می‌دهند (البته در اکثر موارد، نه همه).

ازدواج دائم مسئولیت و تکلیف بیشتری برای زوجین ایجاد می‌کند و به همین دلیل پسر یا دختری نمی‌توان یافت که از اول بلوغ طبیعی که تحت فشار گزینه قرار می‌گیرد، آماده ازدواج دائم باشد. خاصیت عصر جدید این است که فاصله بلوغ طبیعی را با بلوغ اجتماعی و قدرت تشکیل خانواده زیاده‌تر کرده است. در این شرایط با طبیعت و گزینه چه رفتاری باید کرد؟ آیا جوانان حاضرند یک دوره «رهبانیت موقت» را طی کنند؟ اگر جوانی حاضر باشد رهبانیت موقت را بپذیرد، آیا می‌توان مطمئن بود که در اثر ممانعت از اعمال گزینه جنسی، آسیب‌ها و عوارض روانی سهمگین

راه‌حل‌های مربوط به کاهش ناامنی اجتماعی زن در اثر طلاق عبارت‌اند از: افزایش مهریه، ایجاد بیمه طلاق، آپارتمان به جای مهریه نقدی یا سکه، اشتغال دختران و زنان.

راه‌حل‌های مربوط به رفع ناهم‌زمانی بلوغ جنسی، جسمی و عاطفی با بلوغ فکری و اجتماعی و اقتصادی عبارت‌اند از: بازگرداندن بلوغ اقتصادی و اجتماعی به وضعیت گذشته از طریق اعمال برنامه‌هایی در واقعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه و روش‌های حرفه‌آموزی و اشتغال جوان‌ها؛ تغییر در ارزش‌ها و هنجارها به طوری که ارضای نیاز جنسی و عاطفی مورد نظر ارتباطی با تشکیل خانواده، تولید مثل و وظایف زن و شوهری نداشته باشد؛ تغییر در ارزش‌ها و هنجارها، به طوری که ارضای نیاز جنسی و عاطفی مورد نظر در کانون خانواده انجام شود، ولی وظایف اقتصادی و اجتماعی گذشته مردان و زنان حذف شود؛ کاری انجام شود که بلوغ جنسی و عاطفی افراد به تأخیر بیفتد و هم‌زمان با بلوغ اقتصادی و اجتماعی در عصر حاضر شود.

راه حل جوامع غربی راه حل دوم از لیست مذکور بوده است؛ یعنی تأخیر در بلوغ اقتصادی و اجتماعی محفوظ مانده است. وظایف اقتصادی و اجتماعی ازدواج و تشکیل خانواده هم تقریباً حفظ شده است، کاری در جهت تأخیر بلوغ جنسی و عاطفی جوان‌ها هم انجام نشده، بلکه با کمک وسایل ارتباط جمعی جدید و بعضی روش‌های دیگر شاید آن را زودرس هم کرده باشند و برای کاهش فشار و تنش ناشی از عدم تعادل مذکور کامروایی جنسی و رفاقت و انس‌های عاطفی دو جنس را از تابعیت ارزش‌ها و هنجارهای گذشته آزاد کرده و روابط آزاد در این زمینه‌ها را

و خطرناکی به وجود نمی‌آید؟

دو راه بیشتر باقی نمی‌ماند؛ یا اینکه جوانان را به حال خود رها کنیم و راه دوم ازدواج موقت و آزاد است که مشکلات زیادی دارد؛ مانند کاهش تعهدات طرفین و شکل‌گیری انواع ارتباطات دوستانه‌ای که تبدیل به انواع زندگی‌ها مانند ازدواج سفید، هم‌خانگی و ازدواج زیستی می‌شود و در کشور ما هم تا حد زیادی نفوذ کرده و اثرات منفی خود را بروز داده است. حتی اگر راه حل شرعی آن یعنی ازدواج موقت را نیز مطرح کنیم، مشکلات دیگری در پی دارد که هم‌اکنون نیز در جامعه ایران مشاهده می‌شود. دختری که باید به اذن پدر با پسری به طور موقت ازدواج کند، بعد از اتمام یک یا چند ازدواج موقت، اگر با همان همسر موقت خودش ازدواج دائم نکند، در یافتن همسر دائم (در ایران) به شدت دچار مشکل می‌شود. این راه حل در صورتی می‌تواند اجرا شود که مشکل هوسرانی و ناسازگاری با مذهب و مخصوصاً عدم تعهد به همسر خود (در نتیجه ثبت نشدن در دفاتر رسمی) را نداشته باشد و مشروع بودن ازدواج موقت است.

اگر در جامعه‌ای که تاکنون فقط ازدواج دائم، با تعهدات یادشده، در آن رایج بوده نوع دیگری از «راه مشروع هم‌بستری و ارضای جنسی» و بدون آن تعهدات (همانند ازدواج موقت) پذیرفته رایج شود چه تغییراتی حاصل می‌شود؟ اگر جامعه‌ای مثل جامعه ایران کنونی بپذیرد که در عین منظم و تحت قاعده بودن هم‌بستری زن و مرد که موجب هرج و مرج مطروحه در بند دوم ابتدایی بحث نشود، تعهد «تولید مثل» و «تأمین معاش زن» از ازدواج برداشته شود، چند درصد از مردان جوان حاضر به ازدواج دائم با تعهد تأمین معاش

زن و تولید مثل خواهند شد؟ خصوصاً اگر بدانیم که تعداد زیادی از مردان نوجوان و جوان و مردان جوان حرفه‌آموزی نکرده‌اند و شاغل نیستند و در شرایط کنونی از ازدواج محروم‌اند. چراکه توان اقتصادی بالفعل برای پرداخت نفقه زن را ندارند حتی برخی از آن‌ها که زیاد هم هستند سربرادر پدر هستند. در شرایط حاکمیت انحصاری ازدواج دائم، پسران جوان محروم از نکاح‌اند و اغلب در تلاش برای یافتن شغل محترم و پردرآمد تا قابلیت و توان خواستگاری را بیابند و ازدواج کنند. اگر این‌ها به طور پسندیده‌ای بتوانند به نگاه و لذت همبستری برسند، بدون نیاز به شغل، درآمد و تعهدات مالی انگیزه‌شان برای شغل‌یابی و کسب درآمد کاهش می‌یابد. چون انگیزه آن‌ها فقط مال‌خواهی خواهد بود. در حالی که در شرایط کنونی انگیزه مال‌خواهی و زن‌خواهی، به طور ادغام‌شده و مضاعف آنان را به شغل‌یابی و کسب درآمد فرامی‌خواند. اثر دیگر رایج و پسندیده شدن ازدواج بدون تعهد نفقه و تولید مثل نیاز شدید و وسیع دختران جوان به حرفه‌آموزی، شغل‌یابی و کسب درآمد است؛ چون خود باید متکفل معاش خود باشند؛ زیرا تا چه موقع پدر پذیرای این امر خواهد بود که مخارج دختر را متحمل شود، اما مردی که شوهر دختر اوست تعهدی نداشته باشد؟ اثر دیگر رواج ازدواج بدون تعهدات مالی و پسندیده بودن آن در جامعه‌ای مانند ایران، آسان شدن تعدد زوجات برای مردان متأهل است. تأمین مخارج زندگی دو زن و دو خانه برای بسیاری از مردان مشکل است ولی داشتن یک بانو و خانه با تعهدات مالی و یک همبستر غیردائم و بدون تعهدات مالی برای بسیاری از مردان میسر است.

بنابراین آثار ازدواج موقت در سطح کلان

(۱۳۹۷)، محمدی، اژه‌ای و غلامعلی لوانسانی (۱۳۹۷). بخشی از این پژوهش‌ها به تدوین بسته‌های آموزشی پیشگیری از طلاق و واثربخشی آن بر طلاق عاطفی و رضایتمندی همسران پرداخته‌اند؛ از جمله پژوهش احمدی‌خویی، مهداد و کشتی‌آرای (۱۳۹۷)، پژوهش جعفری (۱۳۹۶)، قدسی، برآبادی و حیدرنیا (۱۳۹۷)، وثیقی‌ذاکر، داداشی و حیاتی (۱۳۹۶)، عبادی‌راد و کریمی‌نژاد (۱۳۹۶)، پاشنگ، سلیمی‌نیا، مهرانی و سوداگر (۱۳۹۳). دسته دوم شامل تحقیقات جامعه‌شناسانه است. زارعان و سدیدپور (۱۳۹۵) در فراتحلیل خود عوامل طلاق را به صورت کلی به ترتیب به شش عامل تقسیم کرده‌اند. دو متغیر سطح تحصیلات و شیوه‌های همسرگزینی اندازه اثر یکسانی به دست آوردند و بالاترین اندازه اثر را داشتند. پس از آن تعداد فرزندان عامل مهم بود و در مرتبه سوم پایگاه اقتصادی قرار گرفت. عامل چهارم میزان دخالت اطرافیان و عامل پنجم بلوغ فکری و عاطفی زوجین و نیز عامل ششم سابقه آشنایی با همسر است. در فراتحلیل نیازی، عسکری‌کویری، الماسی، نوروزی و نورانی (۱۳۹۷)، ایشان به ترتیب به چهار دسته عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فردی به عنوان عوامل طلاق اشاره کرده‌اند. همچنین نتایج فراتحلیل مشفق (۱۳۹۵) که به طور دقیق‌تر با محاسبه اندازه اثر و سهم خالص هر عامل بر طلاق، در بین ۱۲۵ مقاله و ۷۵ رساله در دوره ۱۳۷۴-۱۳۹۴ انجام شده است، به چهار عامل مهم در افزایش طلاق اشاره کرده است که بیشترین سهم را توزیع قدرت در خانواده با بیش از ۸۰ درصد دارد. عامل دوم دخالت اطرافیان با ۷۰ درصد اثر و رفتار خشونت‌آمیز عامل سوم و ضعف در مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی عامل چهارم معرفی شده است.

عبارت‌اند از: امتناع تعداد بسیاری از پسران از ازدواج دائم؛ کاهش نسبی انگیزه پسران جوان برای به دست آوردن شغل مناسب و دائمی و کسب درآمد بیشتر؛ کاهش میزان بار تکفل؛ امتناع درصدی از دختران از ازدواج دائم خصوصاً دخترانی که رفتار نامناسب شوهر با بانو را دیده باشند یا آداب و رسوم همسری را مضر بدانند؛ نیازمند شدن بسیاری از دختران به حرفه‌آموزی و اشتغال و خودکفایی اقتصادی؛ کاهش تولید مثل؛ پیدایش تعداد قابل توجهی خانواده تک‌والدی؛ کاهش تعداد کسانی که از طریق ازدواج انس را تجربه کنند؛ پیدایش جوانانی که «داشتن پدر» را تجربه نکرده‌اند و آثار شوم و روانی آن (پس از گذشت یک نسل)؛ پیدایش تعداد قابل توجهی از مردان و زنان میانسال و پیر که «تنها» زندگی می‌کنند که همسر و فرزندی ندارند و آثار روانی آن (پس از گذشت یک نسل)؛ کاهش تحمل برخی ناملایمات و اختلافات در خانواده و افزایش میزان طلاق؛ نیاز بسیار بیشتر جامعه به تأسیس پرورشگاه برای فرزندان رهاشده؛ پیدایش تعداد بسیاری از خانواده‌های دو یا سه نفره از مردان هم‌خرج یا زنان هم‌خرج.

راه‌حل‌های مربوط به کاهش طلاق و طلاق عاطفی را می‌توان در پیشینه پژوهش جست‌وجو کرد. دسته اول شامل تحقیقاتی است که در حوزه روان‌شناسی انجام شده‌اند. دسته‌ای از تحقیقات به انواع متغیرهای پیش‌بین با روش اثربخشی بر بهبود الگوهای ارتباطی و کاهش طلاق عاطفی اشاره کرده‌اند. از جمله تحقیقات محنایی، پولادی‌ریشه‌ری، گلستانه و کیخسروانی (۱۳۹۸)، شیرزادی، شفیع‌آبادی و دوگانه‌ای‌فرد (۱۳۹۵)، صفاری‌نیا، مردانی‌ولندانی، علیپور و آقاییوسفی

۲. انتخاب گزینه مطلوب

۲-۱. گزینه مطلوب برای کاهش ناامنی اجتماعی زن در اثر طلاق

مطالبی که در روابط زن و شوهر نقل شد بیان وضعیت گذشته در جامعه ما بود، اما پس از آن در یک نظام وابستگی متقابل رفتارهایی رخ داد که وضعیت مذکور را به هم زد. پدران دخترها در بعضی از افسار اجتماعی برای اینکه حادثه طلاق دخترشان به پرستیژ اجتماعی آن‌ها لطمه نزنند مهریه سنگین تقاضا کردند. در تفهم معنی عمل تقاضاکنندگان مهریه سنگین به دو معنی می‌توان رسید:

۱. مهریه سنگین مانعی در راه اقدام مرد به طلاق؛
۲. مهریه سنگین پشتوانه‌ای برای زندگی مستقل اقتصادی زن در صورت طلاق که در گذشته عمدتاً منظور اول رایج بوده است و جدیداً معنی دوم هم رواج یافته است.

مهریه سنگین در حدی که مرد در پرداخت آن خانه خراب شود و ثمره سال‌ها کار اقتصادی او را بر باد دهد، موجب تغییر در ترجیحات مرد در روابط زن و مرد در نظام روابط دو بازیگر شد. اگر در گذشته پرخاشگری زن و مرد و طلاق بدترین وضعیت از دیدگاه زن بود، ولی برای مرد بد بود نه بدترین. حالا پرخاشگری دوطرفه و نهایتاً طلاق برای مرد بدترین وضعیت است، ولی برای زن وضعیت بد تلقی می‌شود و پرخاشگری طرف مقابل و تسلیم‌پذیری او که قبلاً برای زن بد بود و برای مرد بدترین، حالا برای مرد بد و برای زن بدترین تلقی می‌شود. توصیه‌های والده عروس هم

تغییر کرد و برعکس دائماً زنان جوان از مادرانشان به عدم تحمل ظلم و کلفتی توصیه می‌شدند و دعوت به طلاق گرفتن و آزاد کردن جان خود. سنگین شدن مخارج ازدواج و مقدار مهریه، تکرار آن را برای مرد تقریباً دست‌نیافتنی می‌کند. دوم اینکه بنا به بیان تئوری تعارض شناختی فستینگر^۲، کسی که برای کاری هزینه بیشتری پرداخت کرده باشد خود را به قابل تحمل بودن وضعیت بیشتر متقاعد می‌کند (آرونسون، ۱۳۸۹).

در چندین سال اول شروع این تغییر در ساخت نظام کنش زن و شوهر و وابستگی متقابل عمل آن‌ها با وضعیت اجتماعی و تلقی از موقعیت زن و غیره، سال‌های پرتنشی در روابط زن و شوهری در ایران سپری شده است و در شرایط فعلی تا حدودی روابط جدید مستحکم شده است. القاب وزیر جنگ و غیره برای مادرزن حاکی از این تحول است. اثرات تبدیلی افزایش مهریه نیز قابل بحث است. مقدار مهریه در عین اینکه باید مانع طلاق شود یا طلاق را برای مرد مشکل کند، متناسب با موقعیت اجتماعی و اقتصادی زن هم هست و چون مبادله ازدواج عموماً مبادله ارزش‌های مساوی است و به همسان‌گزینی گرایش دارد. مهریه زنان در طبقات و افسار مختلف اجتماعی متفاوت است، اما معمولاً نقش مشکل کردن طلاق را در همه‌جا ایفا می‌کند. بر اساس مبادله‌ای بودن روابط، مهریه سنگین، جهیزیه سنگین می‌طلبد و چون مقدار جهیزیه تقریباً نسبت ثابتی با مقدار نقدینگی دارد، سنگین شدن مهریه برابر است با سنگین شدن جهیزیه + سنگین شدن نقدینه و نیز چون مقدار مهریه و نقدینه که مرد می‌پردازد یا تقبل می‌کند با موقعیت اجتماعی زن و شوهر یا

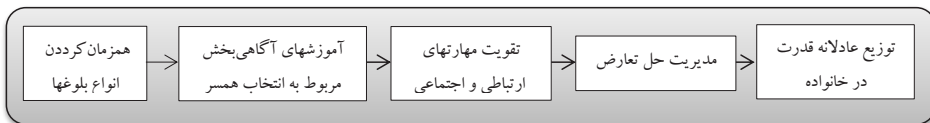
2. Festinger

عمل به ثبات برسد، در میان مدت گرایش به مخارج سنگین ازدواج کاهش خواهد یافت و این وقتی است که طلاق برای زن و مرد تهدید اقتصادی به حساب نیاید، البته در آن صورت ممکن است آمار طلاق به نسبت وضع فعلی افزایش یابد، ولی تنش های بین زن و شوهر کمتر خواهد شد. ازدواج مجدد زنان و مردان هم سهل تر خواهد شد.

۲-۲. گزینه مطلوب برای رفع ناهم زمانی بلوغ عاطفی، جسمی و جنسی با بلوغ فکری، اقتصادی و اجتماعی

به نظر می رسد راه حل جدا کردن ارضای نیازهای جنسی و عاطفی از پذیرفتن مسئولیت های اجتماعی و اقتصادی همسری با ساخت ارزشی جامعه فعلی ما ناسازگار است و اصولاً نباید دنبال راه حلی گشت که به یکی از سه راه حل فرضی دیگر مربوط باشد و چون راه حل فرضی چهارم هم موفقیت آمیز به نظر نمی رسد، فقط دو راه حل باقی می ماند. به نظر می رسد مطالعه درباره زودرس کردن بلوغ اقتصادی و اجتماعی پسران اساسی ترین راه حل است و با توجه به تقسیم نیروی کار جامعه در حرفه های مختلف و توزیع درصدی آن، می توان سازمان و برنامه آموزشی جامعه را طوری طراحی کرد که هر پسری در پایان ۱۸ سالگی به بلوغ حرفه ای رسیده باشد. از سوی دیگر غیر از زمان جنگ می توان

به تعبیر بهتر عروس و داماد ارتباط متناظر دارد هماهنگی بین این سمبل با سمبل های دیگری که حاکی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی عروس و داماد هستند، ضروری می نماید؛ بنابراین سنگین شدن مهریه و نقدینه برای مرد و سنگین شدن جهیزیه برای زن اقتضا می کند که مخارج عقد و عروسی، لباس و هدایای مجلس عقد و شب عروسی، محل برگزاری جشن، تعداد مدعوین و نوع پذیرایی نیز متناسب با وضعیت جلوه گر شده در مهریه و نقدیه و جهیزیه باشد؛ پس کلیه مخارج ازدواج برای طرفین بالاتر می رود. جهیزیه سنگین، محل سکونت عروس و داماد را هم تحت تأثیر قرار می دهد، چون سعی فامیل عروس با تهیه جهیزیه، اثبات همسانی و بلکه اثبات اندکی برتری موقعیت اجتماعی و اقتصادی عروس و کسب نقش مسلط در هرم قدرت در خانواده است؛ بنابراین چیدن جهیزیه و نمایش آن به اقوام طرفین بسیار اساسی است. سنگین شدن مهریه = سنگین شدن جهیزیه = سنگین شدن نقدینه و مخارج عقد و عروس = سنگین شدن اجاره بهای مسکن = بالا رفتن مخارج ماهانه زوج جوان = ضرورت داشتن درآمد بیشتر. عدم استقلال اقتصادی و اجتماعی زن در گذشته موجب تنش های فعلی در روابط زن و شوهری و ایجاد مشکل اقتصادی در راه ازدواج جوان ها شده است. با تأمین استقلال اجتماعی زن در جامعه در شرایط فعلی، اگر به نحوی بالفعل یا بالقوه استقلال اقتصادی زنان تأمین شود و در



تصویر ۱. مراحل رسیدن به توزیع عادلانه قدرت در خانواده

داشتن مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی منوط به داشتن آگاهی است که خود مستلزم جلسات متعدد آموزش و مشاوره است که بهتر است که قبل از ازدواج باشد. این آگاهی‌بخشی در زمانی باید انجام گیرد که همان هم‌زمانی انواع بلوغ‌ها که در ابتدا مطرح شد، رخ داده باشد که در بخش قبل به آن پرداخته شد و در تصویر شماره ۱ نشان داده شده است. از این رو بهتر است تمام مسائل همسرگزینی در بخش سیاست‌گذاری و طراحی سیاست مد نظر قرارگیرد تا دست‌کم پس از این شاهد ازدواج‌های نادرست نباشیم.

۲-۴. توصیه سیاستی

لزوم ایجاد نهاد ازدواج و همسرگزینی سالم؛ وزارت ورزش و جوانان می‌تواند سامانه آن را با مشارکت سازمان نظام روان‌شناسی و مشورت انجمن جامعه‌شناسی و متخصصین کامپیوتر ایجاد کند؛ تلویزیون می‌تواند این سامانه را به طور مستمر تبلیغ کند؛ مجلس می‌تواند در بودجه، ردیفی برای نهاد همسرگزینی ایجاد کند.

دانشگاه می‌تواند تربیت دکتری مشاور متعهد، دلسوز و متخصص خانواده را تا سقف صد هزار نفر اجرا کند؛ آموزش و پرورش با همکاری سازمان تألیف برنامه‌های درسی، می‌تواند با تربیت و تقویت بنیه علمی معلمان مجرب و متخصص در حوزه روان‌شناسی برای تألیف جدید کتب درسی با موضوعاتی مثل مهارت‌های خانواده و زندگی و جایگزین کردن آن‌ها در برنامه‌های درسی غیرضروری، گام مهمی در این زمینه بردارد؛ فعال کردن سازمان‌های فنی و حرفه‌ای و مدارس کار و دانش و دانشگاه‌های علمی کاربردی و اضافه کردن رشته‌های کاربردی برای راهی شدن به بازار کار

آموزش نظامی پسران را در ضمن حرفه‌آموزی قرار داد و خدمت در انجام امور جاری نیروهای نظامی را طوری سازمان‌دهی کرد که با شش ماه خدمت هر پسر جوان در زمان صلح، تأمین نیرو شود. بلوغ حرفه‌ای غیر از بلوغ بالفعل اقتصادی است و می‌توان با گذاشتن قوانینی، سرمایه‌ها و امکانات اقتصادی جامعه را به مشارکت با جوانان حرفه‌آموزخته وادار کرد. از سوی دیگر با سرشماری دقیق از فرصت‌های شغلی جامعه و تعداد افراد آماده به اشتغال و پیش‌بینی ارقام این دو امر در سال‌های آینده، فرصت‌های شغلی طوری تقسیم شود که هیچ‌کس بی‌کار نماند. آن عده‌ای که بعد از مرحله مذکور باید آموزش‌های بیشتری ببینند از همان ابتدا بورسیه شوند که درواقع دارای درآمد اقتصادی مستقل باشند. در هر صورت پیشنهاد ما تمرکز مطالعه و تحقیق بر یافتن روش‌های زودرس کردن بلوغ اقتصادی و اجتماعی پسران جوان جامعه است.

۲-۳. گزینه مطلوب برای کاهش طلاق

برای رسیدن به گزینه مطلوب باید دید با توجه به علل معرفی‌شده در مقاله مشفق (۱۳۹۵) چه چیزی را می‌توان تغییر داد، مهم‌ترین عامل، یعنی توزیع قدرت در خانواده را نمی‌توان تغییر داد، زیرا تحصیلات و شغل و درآمد زنان باعث منزلت اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی آنان شده است و از دسترس خارج است و دیگر قابل تغییر نیست؛ مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان هم در جامعه به عنوان هنجار تعریف شده است و هم اثرات مثبت آن نیز وجود دارد و قابل مشاهده است. برای رسیدن به توزیع عادلانه قدرت در خانواده باید دارای مدیریت تعارض بود، داشتن مدیریت تعارض منوط به داشتن مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی است و

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش هیچگونه کمک مالی از سازمان های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

مشارکت نویسندگان

مفهوم سازی، تحقیق و بررسی: تمامی نویسندگان؛ ویراستاری و نهایی سازی نوشته: مریم اسکافی نوغانی و حامد بخشی.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

تشکر و قدردانی

از شورای سیاست گذاری عمومی که با برگزاری همایش رساله های برتر، رساله نویسنده مسئول را انتخاب و انگیزه شکل گیری و نگارش مقاله سیاستی را در ایشان ایجاد کردند بی نهایت سپاسگزارم.

منابع فارسی

قدسی، م، برآبادی، ح. ا. و حیدرنیا، ا. (۱۳۹۷). اثربخشی روایت‌درمانی بر کاهش گرایش به طلاق و مؤلفه‌های آن در زنان با ازدواج زودهنگام. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۳۳(۳)، ۷۳-۹۸.

محمدی، م، اژه‌ای، ج، و غلامعلی‌لواسانی، م. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش رویکرد هیجان‌مدار بر دلدزدگی زناشویی و میل به طلاق در زوج‌ها. مجله روانشناسی، ۲۲(۴)، ۳۷۸-۳۶۲.

محنایی، س، پولادی‌ریشه‌ری، ع، گلستانه، س. م، و کیخسروانی، م. (۱۳۹۸). اثربخشی زوج‌درمانی به روش ایماگو‌تراپی هندریکس بر بهبود الگوهای ارتباطی و کاهش طلاق عاطفی. نشریه روان‌پرستاری، ۱۷(۱)، ۵۸-۶۵.

مشفق، م. (۱۳۹۵). سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش به طلاق در پیمایش‌های انجام‌شده طی دوره ۱۳۷۴-۱۳۹۴. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۳(۹)، ۱-۴۱.

نیازی، م، عسکری‌کویری، ا. ا. الماسی، ا. ا. نوروزی، م، و نورانی، ا. (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۶. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۵(۴)، ۱۷۷-۲۰۲.

وثیقی‌ذاکر، م، داداشی، م، و حیاتی، م. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی زناشویی بر کاهش طلاق عاطفی و تعارضات زناشویی زوجین شهر همدان. مقاله ارائه شده در سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، قم، ایران، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۶.

احمدی‌خوبی، ش، مهداد، ع، و کشتی‌آرای، ن. (۱۳۹۷). تدوین بسته آموزشی پیشگیری از طلاق و تعیین اثربخشی آن بر رضامندی همسران و طلاق عاطفی. مجله پرستاری و مامایی، ۱۶(۵)، ۳۳۵-۳۴۵.

آرونسون، ا. (۱۳۸۹). روانشناسی اجتماعی [ح. شکرکن، ترجمه فارسی]. چاپ ۶ تهران: رشد.

اسپرینگز، ت. (۱۳۶۵). فهم نظریه‌های سیاسی [ف. رجایی، ترجمه فارسی]. چاپ ۱. تهران: آگاه.

پاشنگ، ب، سلیمی‌نیا، ن، مهرانی، م، ر، و سوداگر، ش. (۱۳۹۳). اثربخشی زوج‌درمانی به شیوه عقلانی-عاطفی در کاهش باورهای غیرمنطقی زوج‌های متقاضی طلاق. روان‌شناسی کاربردی، ۸(۴)، ۴۳-۵۶.

جعفری، ا. (۱۳۹۶). تدوین یک برنامه روانی-آموزشی بر اساس الگوی ستیر برای زوجین متعارض و اثربخشی آن در کاهش سبک مقابله‌ای ناکارآمد و احتمال وقوع طلاق. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۸(۳۰)، ۱۰۷-۱۳۰.

روشه، گ. (۱۳۶۶). تغییرات اجتماعی [م. وثوقی، ترجمه فارسی]. چاپ ۱. تهران: نشر نی.

زارعان، م، و سدیدیپور، س. س. (۱۳۹۵). فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۲)، ۱۹۱-۲۱۸.

شیرزادی، ش، شفیع‌آبادی، ع، و دوکانه‌ای‌فرد، ف. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی خانواده‌درمانی بوئن و مینوچین بر کاهش طلاق عاطفی و بهبود کیفیت زندگی زوجین مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت. تحقیقات مدیریت آموزشی، ۹(۳۵)، ۲۵-۴۰.

صدیق‌اورعی، غ. ر. (۱۳۷۳). اندیشه امام خمینی درباره تغییر جامعه. چاپ ۲. تهران: محراب قلم.

صفاری‌نیا، م، مردانی‌ولندانی، ز، علیپور، ا. و آقاویوسفی، ع. ر. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش خود-دلسوزی شناختی بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق. تحقیقات علوم رفتاری، ۱۶(۳)، ۲۹۹-۳۱۰.

عبادی‌راه، س. م، و کریمی‌نژاد، ک. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-سیستمی گاتمنی بر تعهد زناشویی زوجین شهر مشهد. آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۳(۱)، ۷۵-۹۲.

References

- Ahmadikhoie, S., Mahdad, A., & Keshti Araye, N. (2018). [Developing of prevention of divorce training package and determination of its effectiveness on marital satisfaction and emotional divorce on employees of education organization of Urmia city (Persian)]. *Nursing and Midwifery Journal*, 16(5), 335-45. <http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-3479-fa.html>
- Aronson, E. (2010). *Social psychology* [H. Shokrkon, Persian Trans]. 6th Ed. Tehran: Roshd Press. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/708792>
- Ebadi Rad, S. M., & Kariminejad, K. (2017). [The effectiveness of Gottman's cognitive systemic couple therapy on marital commitment of Mashhad' couples (Persian)]. *Journal of Pathology, Counseling and Family Enrichment*, 3(1), 75-92. <http://fpcej.ir/article-1-142-fa.html>
- Ghods, M., Barabadi, H. A., & Heydarnia, A. (2018). [Effectiveness of narrative therapy on reducing divorce tendency and its components in women with early marriage (Persian)]. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 9(33), 73-98. [DOI:10.22054/QC-CPC.2018.28555.1712]
- Jafari, A. (2017). [Developing a psycho-educational package based on Satir's model for conflicting couples and its effectiveness on reducing inefficient coping strategy and divorce probability (Persian)]. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 8(30), 107-30. [DOI:10.22054/QC-CPC.2017.23163.1564]
- Mohammadi, M., Ejei, J., & Gholamali Lavasani, M. (2019). [The effectiveness of training of emotionally-focused approach on couple burnout and couples tendency for divorce (Persian)]. *Journal of Psychology*, 22(4), 362-78. <http://www.iranapsy.ir/Article/13971026166935>
- Mohannaee, S., Poladei Rayshahri, A., Golestaneh, S. M., & Keykhosrovani, M. (2019). [Effectiveness of couple therapy by Hendrix Imago therapy method on improving communication patterns and reducing emotional divorce (Persian)]. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 7(1), 58-65. <http://ijpn.ir/article-1-1248-fa.html>
- Moshfegh, M. (2019). [Measuring the effect size of divorce tendencies in conducted surveys during 1995-2015 (Persian)]. *A Research Journal on Social Work*, 3(9), 1-41. [DOI:10.22054/RJSW.2016.9255]
- Niazi, M., Askari Kaviri, A., Almasi, E., Norowzi, M., & Nourani, E. (2018). [Ultra-analysis of studies and researches about divorce relevant factors in Iran for the period of 1386-1396 (Persian)]. *Quarterly Journal of Women's Studies Sociological and Psychological*, 15(4), 177-202. [DOI:10.22051/JWSPS.2018.8627.1124]
- Pashang, B., Saliminia, N., Mehrani, M. R., & Sodagar, Sh. (2014). [Effectiveness of rational emotive couple's therapy in reducing irrational beliefs in couples seeking divorce (Persian)]. *Journal of Applied Psychology*, 8(4), 43-56. http://apsy.sbu.ac.ir/article_96185.html
- Rocher, G. (1987). *Social changes* [M. Vousooghi, Persian Trans]. 1st Ed. Tehran: Nashr-e Ney <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/506090>
- Safarina, M., Mardani Valandani, Z., Alipour, A., & Aghayousefi, A. (2019). [Effectiveness of cognitive self-compassion training on reduction of marital conflicts among divorce applicant couples (Persian)]. *Journal of Research in Behavioural Sciences*, 16(3), 299-310. <http://rbs.mui.ac.ir/article-1-612-fa.html>
- Sedigh Oraei, Gh. R. (1994). [Imam Khomeini's thoughts on changing society (Persian)]. 2nd Ed. Tehran: Mehrabe Ghalam. <https://profdoc.um.ac.ir/book-abstract-223532.html>
- Shirzadi, Sh., Shafiabady, A., & Dokaneheefard, F. (2018). [The comparison of effectiveness of family therapy Bowen's and Menuchin on emotional divorce and improvement quality of life couples clients to health house (Persian)]. *Educational Administration Research*, 9(35), 25-40. https://jeaq.riau.ac.ir/article_1236.html
- Spragens, T. A. (1986). *Understanding political theory* [F. Rajaei, Persian Trans]. 1st Ed. Tehran: Agah. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/556461>
- Vasighi Zaker, M., Dadashi, M., & Hayati, M. (2017). [The effectiveness of marital life skills training on reducing emotional divorce and marital conflicts in Hamadan (Persian)]. Paper presented at The 3rd National Conference on the New Researches in the Field of Education and Psychology of Iran, Qom, Iran, 12 May 2017. <https://civilica.com/doc/647609/>
- Zarean, M., & Sadidpoor, S. S. (2016). [A meta-analysis of divorce-related research: Individual vs. social factors (Persian)]. *Journal of Social Problems of Iran*, 7(2), 191-218. [DOI:10.22059/IJSP.2016.63796]